

کند. تعلقات سازنده مورد نظر سندل موجود شهری، دوستی و ایثار است. فرد وظیفه گرافارغ از وابستگی های سازنده فقط اهداف خود را می بیند؛ از این رو ایثار و دوستی چیزی نمی داند. نتیجه استقلال ما از تعلقاتمان و سیرتمان ما از اجتماع و سایر هممنوعان مستقل می کند (سندل ۱۳۹۳، ۲۶۳). ایثارگری نیز از این منظر بابر داشت همگانی از خیر عمومی حاصل می شود. در جامعه باید فضیلت ها مشخص و آموزش داده شود. جامعه باید بداند که کار درست کدام است؛ تادر آن ایثار کند، ایثار عملی است که با ماهیت و نفس سوژه مورد نظر عمل فضیلت مندانه محسوب می شود.

مرزهای اخلاقی بازار: سندل در سه اثر «آنچه پاپول نمی توان خرید»، «اخلاق در سیاست» و «تابسامانی های دموکراسی آمریکا» به تفصیل این موضوع پرداخته است. مسأله محوری در گزاره مرزهای اخلاقی بازار این است که «همه چیز را نمی توان و نباید پاپول خرید.» ارزش های اخلاقی و هنجارهای جامعه، شایستگی ها، هویت مدنی، تصمیمات حیاتی در سرنوشت ملت ها از زمره مسائل است که نمی توان به آن بازاری نگریست. احیای فضیلت مدنی در تشخیص جایگاه اصلی بازار در زندگی مدنی است. در این راستا باید پاسخی به این سؤالات داشت: چه کسی سزاوار چه چیزی است؟ ارزش ها و چگونگی تبیین آن با چه معیاری است؟ آیا اساسی می توان همه امور را ارزش گذاری کرد؟ آیا زمان آن فرا نرسیده که به دوره فخر فروشی بازار خاتمه دهیم؟ و منطق خرید و فروش را که بر کل زندگی ماحکم شده به چالش بکشیم.

وقتی ارزش های بازار به میان می آید، ممکن است که مفهوم اصلی آن فعالیت ها را تغییر دهند و بر ویرکدها و هنجارهایی تأثیر بگذارند که ارزش تأمل دارند. از این منظر رقابت، استحقاق، غایت ها، تغییر ماهیت داده و فقط در چارچوب روابط بازار تعریف می شوند. او معتقد است نباید بگذاریم بازار هنجارهای حاکم بر نهاد های اجتماعی ما را تغییر بدهد. باید بحثی همگانی در مورد مرزهای اخلاقی بازار داشته باشیم. باید اقتصاد شهری را که بر اساس فضیلت و خیر عمومی است، جایگزین اقتصاد بازار کنیم.

(Michael J. Sandel, www.hup.harvard.edu) (۱۹۹۸)

نابرابری، همبستگی، فضیلت: تأثیر نابرابری روی احساس همبستگی میان اعضای یک جامعه مهم است. اجتماع و ارزش های آن مقدم بر فرد است. افراد یک جامعه با وجود ناهمگونی و تنگنری برای نیل به سعادت و خیر جمعی با هم متحد هستند. مشارکت مدنی، ایثار جمعی و عدالت بر اساس همبستگی و روح جمعی در جامعه به وجود می آید. از این رو باید این نابرابری را تا حد ممکن تقلیل داد. برای نمونه همان گونه که مطلع هستیم در کشور ما مدارس غیر انتفاعی و دانشگاه های خصوصی چندین برابر مراکز آموزشی دولتی وجود دارند. این موضوع نابرابری و در نظر نگرفتن استعداد ها و شایستگی ها را در بر خواهد داشت. احساس تبعیض، محرومیت و نادیده انگاشته شدن موجب از هم گسیختگی جامعه و رشد خشونت خواهد شد. نمونه دیگر، وجود باشگاه های ورزشی خصوصی و بسیار مجهز در مقابل مکان های ورزشی محدود و امکانات ضعیف، چنین مواردی نه تنها جامعه را به دو طبقه اجتماعی فقیر و غنی تبدیل می کند، بلکه این دو طبقه مقابل و معارض هم نیز خواهند شد. متأسفانه در جامعه ایران این نابرابری ها به صورت مختلف روبه افزایش است. به نظر سندل این نابرابری فرسایش فضیلت مدنی و خیر جمعی را به دنبال خواهد داشت از این رو دولت باید برای جلوگیری از فرسایش و آشفتنی جامعه خدمات عمومی و رایگان را افزایش دهد. برای مثال وسایل نقلیه عمومی را به نحوی تقویت کند که حتی قشر مرفه هم به استفاده از آنها تشویق شوند. مدارس دولتی خوبی بسازد که فقیر و غنی به یک اندازه راغب شوند فرزندان خود را به آنجا بفرستند. مردم از محله های در بسته خودشان به فضاهای مشترک دموکراتیک شهری بروند. (سندل، ۱۳۹۳: ۲۶۶)

سیاست درگیری اخلاقی (خرد عمومی): صرف اینکه فرد از دخالت دیگران در زندگی خود آزاد باشد منجر به وجود آزادی فردی نمی شود. تبلور قدرت تصمیم گیری آزاد بدون مشارکت مدنی ممکن نیست. فرد انسانی در فرآیند حضور در اجتماع آشنایی با شیوه زندگی مردم و ساختارهای جامعه است که می تواند به تکامل و سعادت برسد. نمود آزادی فرد در فضایل جمهوری است که متبلور می شود.

جمهوری نیازمند فضیلت هایی در شهروندان خود است. یعنی فرد به عنوان شهروند جمهوری باید تعلقی نسبت به جامعه و ارزش های آن داشته باشد. از سویی فرد آزاد باید در اجتماع حضور فعال داشته باشد، بی طرف و فراغ بال نباشد، مشارکت مدنی داشته باشد و از سوی دیگر حضور ساختارهای اجتماع باید فرد را به

سمت فضیلت مند شدن و سعادت سوق دهند (Sandel, ۱۹۹۶: ۱۶۸-۱۲۵). به نظر سندل باید به چشمان هم با احترام و عشق نگاه کنیم و حرف هایمان را با صراحت بزنیم. باید به عقاید مذهبی و اخلاقی دیگران گوش بسپاریم. بیاموزیم، انتقاد کنیم و درگیر شویم. در این نوع گفتن جمعی ممکن است توافقی هم حاصل نشود ولی در دراز مدت موجب به وجود آمدن جامعه ای عادل می شود. سندل برای این منظور استفاده ویژه «درک مبتنی بر تبادل نظر» را پیشنهاد می دهد. بابرقراری ارتباط با توجه به باورهای اخلاقی و دینی شهروندانمان، گاهی به چالش کشیدن و به پرسش کشیدن این باور ها و زمانی هم با گوش دادن و آموختن از آنها، بویژه اگر این باورها با مسائل سیاسی مهم ارتباط داشته باشند به آنها احترام بگذاریم. احترام مبتنی بر تبادل نظر و توجه به باورهای دیگران، فضایی را برای خرد عمومی و مشارکت فراهم می سازد که بسیار وسیع تر از آن چیزی است که لیبرالیسم اجازه می دهد.

این آرمان بهتری برای جامعه کثرتگرا است؛ زیرا اگر اختلاف نظر های اخلاقی و دینی ما میانگرتکثر خیر های انسانی باشد، احترام مبتنی بر تبادل نظر بهتر به ما امکان می دهد تا خیر های متمایزی را درک کنیم که شیوه های مختلف زندگی نشانه های آن هستند. (سندل ۱۳۹۷، ۳۰۶-۳۰۷). تعامل و گفتن عمومی یکی از شروط لازم برای زیست مدنی در عرصه شهری است. در چنین اجتماعی فضیلت های شهری هویدا می شود. از آنجا که بی تفاوتی سیاسی ریشه در عوامل متعددی دارد راهکارهای دیگری نیز پیشنهاد می شود. از جمله سیاست معطوف به تعهد اخلاقی، تأمل در غایات به مثابه روایت فربه از هویت و تاریخ، احیای گفتن عمومی و دموکراتیک توسط نهاد دولت به مثابه تبلور وحدت در عین کثرت، آمدن محذوفین جامعه به عرصه عمومی، به حد اکثر رساندن توانایی های نسبی، گفت و گو بر سر دریافتی مشترک از خیر و شیوه زیست مطلوب، احترام به هویت و کرامت فرد.

■ نتیجه گیری

در این مقاله باهدف به حداقل رساندن آسیب های ناشی از بحران بی تفاوتی سیاسی در جامعه ایران، مهم ترین عناصر سازنده هویت های جمعی، شهری و فعال و ملزومات مشارکت مدنی به شکل اجمالی مطرح شد. البته چگونگی تبیین هریک از این عوامل و غلبه بر موانع و مقاومت های رایج، مستلزم بررسی واکاوی موقعیت و زمینه مناسب در روند حیات سیاسی کشور است. بی تفاوتی سیاسی آسیبی است که از عدم اعتماد به کارآیی ساختار قدرت در فرآیند ایجاد سازوکارهای مناسب برای به زیستن فرد در جامعه ناشی می شود. این سازوکارهای ناقص و ناکارآمد زیست سیاسی و حیات اجتماعی شاداب و فعال فرد را دچار بحران می کند. بی عدالتی، تبعیض، سرکوب، فردگرایی، بی توجهی به هویت و فرهنگ در جامعه چند فرهنگی، سلطه تبلیغات و بازار بر امر سیاسی، نادیده گرفتن صداهای مخالف و مانند آن طیف گسترده ای از علل بروز بحران بی تفاوتی در جامعه هستند. بر اساس این نوشتار ریشه اصلی این عوامل را باید در فقدان فضیلت و ارزش های معنوی و دینی در تبیین امر سیاسی جست و جو کرد. از این منظر یافتن راهکارهای زندگی فضیلت مند در عصر سکولار منجر به شهری فضیلت مند و حکمرانی خوب می شود. مؤلفه های مشترک در مبانی معرفتی اسلام و جماعت گرایی معاصر، چشم اندازی واقعی را برای برپایی جامعه سیاسی مطلوب و نه آرمانی سیاست فضیلت مند ترسیم می کند. از آنجا که محور این سیاست بر اساس اخلاق، گفتن، تأمل و تعقل، خیر مشترک، سیاست شناخت در مقابل سیاست تفاوت است، موجب افزایش اعتماد عمومی، رضایت مدنی سیاسی و نهایت مشارکت مدنی مثبت در جامعه می شود.